

شنبه • ۶ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۹۵ • ۹

شرق

روزنامه

علم

توسعه فرهنگ زیارت	صفحه ۱۰
روایتی دیگر از همیشه کربلا	صفحه ۱۱
باور خودامدادی در سوانح همگانی شود	صفحه ۱۲

آن روزها
نگاهی به فعالیت‌ها برای بازیابی توان روانی آسیب‌دیدگان «بم»
رفیقان نیمه‌راه

زلزله ۱۳۸۲ شهر بم از جهات زیادی حادثه‌ای منحصربه‌فرد بود. در این حادثه برخلاف اغلب زلزله‌های ایران و جهان که کانون آن با شهر کم‌وبیش فاصله دارد، جزو نادر زلزله‌هایی بود که کانون آن در عمق هفت‌کیلومتری و محل گسلش، از زیر شهر عبور می‌کرد و با درنظرداشتن این نکته که در اغلب زلزله‌ها از سه نوع حرکت زمین، یک یا دو نوع آن تجربه می‌شود، حاصل شوک اصلی بدترین نوع رفتار زمین با حرکت‌های افقی، دورانی و عمودی با مولفه حدود g1 و با قدرتی در حدود۶/۸ در مقیاس امواج درونی (ریشتر) شد که بدترین تخریب را در نوع خود به‌جا گذاشت و تلفات انسانی بسیار سنگینی به بار آورد که به‌علت تناقض‌گویی در ارایه آمار صحیح توسط مقامات رسمی، هنوز هم در بین مردم بومی بر سر تعداد واقعی آن بحث است. (مقامات رسمی ابتدا تلفات را ۴۵ هزار، سپس ۲۶ هزار و بعد از آن بالغ بر ۳۰ هزار نفر اعلام کردند.) یکی دیگر از ویژگی‌های زلزله بم این بود که در این حادثه مرکز یک شهرستان بزرگ که کانون ارایه خدمات بهداشتی– درمانی، اداری، اقتصادی، امنیتی و… بود، به‌طور کامل تخریب شد و در نتیجه، بخش‌ها و روستاهای تابعه ناگهان از این خدمات محروم شدند که در نتیجه، بر آشفتنگی شهر دامن زد.

اما نکته مهم این است که این وضعیت می‌توانست و می‌تواند به‌عنوان یک مدل برای تدوین طرح‌های مدیریت بحران در مواقعی که مراکز شهرستان، استان یا کشور دچار آسیب می‌شوند، مورد مطالعه و مطالعه دقیق قرار گیرد. شواهد نشان می‌داد برخی از سازمان‌های غیرایرانی ضمن ارایه خدمات بشردوستانه، از مستندسازی این شرایط و استفاده مناسب از این فرصت طلایی برای مطالعه، ثبت و انتقال این تجربیات به کشورهای دیگر دریغ نکردند درحالی‌که تصور نمی‌کنم تاکنون در داخل کشور از این فرصت برای مستندسازی این تجربه‌های گرانبها استفاده چندان‌ی شده باشد زیرا در عمل، فرآیند مستندسازی در کشور ما فاقد متولی است و حتی اگر سازمانی به مستندسازی عقیده داشته باشد نیز «حداکثر» برای خود، اطلاعاتی را جمع‌آوری و در بانک‌های اطلاعاتی خود بایگانی می‌کند. البته حتی اگر از این اسناد به‌درستی نگهداری کنند و از یک دوره مدیریتی تا دوره بعد، این مستندات مفقود نشوند، باز هم این اطلاعات غالباً هرگز به تدوین طرح و برنامه منجر نمی‌شوند. اما به هر حال امید مآلی یونیسف و با مدیریت اداره سلامت روان اعضای خانواده، بلکه طایفه و حمایت‌های روانی آن طایفه، نه‌تنها مامن و دارایی مادی، بلکه امنیت‌خاطری را که این امکانات برای هر انسانی ایجاد می‌کنند، از دست دادندد و در نتیجه در معرض آسیب‌های جدی روحی قرار گرفتند و پر واضح است نیاز چنین جامعه‌ای به حمایت‌های روانی، در اولویت قرار دارد. در حادثه زلزله بم با حمایت مالی یونیسف و با مدیریت اداره سلامت روان وزارت بهداشت و درمان، ستادی به نام ستاد مداخلات روانی اجتماعی بم راه‌اندازی شد که با روش گروه‌درمانی و با کمک تعدادی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی روانشناسی و همچنین چند نفر از رزیدنت‌های روان‌پزشکی که در قالب ماموریت‌های یک‌ماهه به بم مراجعه می‌کردند، کار گروه‌درمانی را دنبال می‌کردند اما چهار اشکال اساسی در این فعالیت مشهود بود که این خدمات را کم‌تر کرد:

۱- تعداد نیروهای شاغل در این ستاد، تناسبی با حجم کار و جمعیت بازمانده شهر نداشت. (به‌طور میانگین حدود ۲۰ تا ۳۰ نیروی فنی در ستاد مشغول بودند.)
۲- سیاست این ستاد، ارایه کار کمی به جای کار کیفی بود.
۳- اغلب نیروهای این ستاد، فاقد تجربه و معلومات کافی برای مداخله در هنگام ترومای پس از حادثه (PTSD) به‌ویژه در مقیاس یک شهر بودند.
۴- کار این ستاد حدود یک سال بعد از تشکیل، به‌صورتی غیرفنی و ناگهانی تعطیل شد زیرا به‌محض اتمام بودجه یونیسف، وزارت بهداشت حاضر نشد بودجه ادامه کار این ستاد را تأمین کند و در نتیجه کار مداخلات روانی در بم بی‌اثر یا حداکثر بسیار کم‌اثر باقی ماند که این نقصان، مشکلات متعددی را برای شهروندان به‌وجود آورده و امید می‌رود مسوولان محترم وزارت بهداشت در این زمینه نیز با اتخاذ تدبیر و تصمیم‌های صحیح و لازم و سازماندهی تیم‌های متخصص مداخله و آغاز یک کار علمی جدی، امید را به جامعه آسیب‌دیده بم بازگردانند. ضمن آنکه این موضوع نیز می‌تواند به‌عنوان یک تجربه برای حوادث بعدی، موردی برای تحقیق و پژوهش و استفاده باشد. آنچه مسلم است اینکه با وجود نیاز به مسکن و تغذیه این نیازها به‌عنوان نیازهای اولیه شناخته شده‌اند، اما حتی تأمین این نیازها به تنهایی نمی‌تواند یک جامعه را به زندگی طبیعی، سالم و پویا بازگرداند.

❖ **بنیانگذار و رییس هیات‌مدیره سازمان خیریه همراهان بم**

میراث ماندگار

لزوم تکیه بر اصالت فرهنگی

حفظ هویت «بم»



در مورد زلزله بم و مسایل پیرامون آن، بارها و بارها در محافل علمی صحبت شده است. چندسالی است که پنجم‌دی، سالروز زلزله بم، به‌عنوان روز «ایمنی در برابر زلزله» مطرح شده. اما متأسفانه با حذف این روز از تقویم مواجه شده‌ایم؛ روزی که به بهانه آن، بحث‌های تخصصی در مورد زلزله داغ و توجه ویژه‌ای به آیین‌نامه‌های مربوط به ایمنی و استانداردسازی ساختمان مطرح می‌شد. در شرایطی که ایران در منطقه زلزله‌خیز قرار دارد، توجه به زلزله، اندیشیدن و آگاه‌کردن افراد ضروری است. از نتایج این روز می‌توان به بررسی دستاوردهای کارشناسان و بالابریدن سطح آگاهی جامعه و آمدادی‌شان در برابر زلزله اشاره داشت، هرچند تلنگری باشد تا عموم مردم به آن توجه کنند که حذف از زمینه‌ساز فراموشی تفکر مقاومت‌سازی ابنیه نشود. با توجه به پیشینه تاریخی شهرهای ایران در توسعه شهری و ارتباط‌شان با مقوله زلزله، می‌توان آنان را از دومنظر مورد بررسی قرار داد: از یک‌سو، افزایش جمعیت و توسعه دگرگونی‌هایی را بر بافت تاریخی شهر به جای خواهد گذاشت که این دگرگونی‌ها باید در راستای انطباق با گستره مناسب زمین‌شناسی و لرزه‌شناسی باشد در غیراین صورت تبعات آن غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. با توجه به پهنه گسترده زلزله در ایران، لزوم ایجاد تشکیلات مناسبی در سطح کشور احساس می‌شود. در این راستا تلاش‌های موفقی در پژوهشکده لرزه‌شناسی و زمین‌شناسی در حال تحقق است، در صورت گستردگی این پژوهشکده تحت عنوان پایگاه‌هایی در شهرهای با خط‌ریزیری بالا می‌توان در پایش محدوده‌های مناسب در خصوص توسعه شهری گام مناسب برداشت. این موضوع در شهرهای تاریخی همچون بم که از حساسیت خاصی برخوردار است، قابل‌تأمل است. از سوی دیگر، بافت ارزشمند تاریخی بم محدوده‌ای را دربرمی‌گیرد که ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده آن همچون ابنیه و گذرها دارای ارزش تاریخی و معماری و شهرسازی است. از آنجایی که شهر بم، تنها شهر ثبت‌شده ایران در میراث جهانی یونسکو است و به عنوان باغ‌شهر خودنمایی می‌کند، اینگونه به نظر می‌رسد محدوده ساخت‌وساز جدید از بافت تاریخی و سنتی آن تفکیک نشود تا ماهیت آن به عنوان اثر تاریخی حفظ شود. اما نکته بسیار حایزاهمیت، جهت مرمت و مقاوم‌سازی بافت‌های قدیمی، حفظ اصالت و هویت آنان است، چراکه شاید برخی تکنیک‌های به‌کار برده‌شده در حیطه مقاوم‌سازی آن را کاملاً از هویتش خارج کرده و اثر نامطلوبی بر ابنیه سنتی بگذارد. نه‌تنها در این زمینه، بلکه در دیگر حوزه‌ها همچون طراحی نما نیز باید دقت لازم به عمل آید تا همگونی مناسبی بین بافت تاریخی و بافت جدید به لحاظ صور شهری ایجاد شود.

❖ **کارشناس ارشد معماری و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بم**



«بم» و درس‌هایی که نیاموختیم

اشتباه‌های مدیریتی را هر بار تکرار نکنیم

کیست؟ در حالی‌که تعداد مجروحان ما بعد از زلزله و فرورختن آوارهای نیمه‌فرورخته بر اثر پس‌لرزه‌ها، روزبه‌روز و زلزله‌به‌زلزله افزایش می‌یابد؟ ۱۱سال از زلزله بم می‌گذرد، اما ما هنوز درگیر شیوه تعامل با تشکل‌های غیردولتی در کمک‌رسانی در زمان حادثه هستیم. هنوز یاد نگرفته‌ایم چگونه از این پتانسیل مثبت بهره بگیریم و هنوز هم ورود تشکل‌های غیردولتی را به صحنه حادثه، نه یک فرصت، که یک تهدید برای مدیریت خود ارزیابی می‌کنیم و در این میان، بی‌برنامه‌بودنمان به رفتارهایی منجر می‌شود که نه‌تنها موجب حفظ ارزش‌ها و ثبات امنیت جامعه نمی‌شود که دستاویز تبلیغات ضد انقلاب و گزارش‌نویسان مغرض است.

نوشتن از تکرار خطاهایمان را وقتی ارزشمند می‌بینم که موجب عدم تکرار آن شود و این محقق نمی‌شود مگر اینکه یاد بگیریم که چگونه مستندسازی کرده و از عملکردمان به دور از خودشیفتگی و دیگرفریسی، درس بگیریم، متأسفانه چنین کاری این‌روزها بسیار سخت است و جامعه مدیریتی ما از نقدها، به‌شدت گریزان و گزارش‌ها سراسر پر از تملق و تایید است، اما تا زمانی که ناظران ما از نوشتن نقایص و مشکلات حذر داشته باشند، این در همواره بر همین پاشنه خواهد چرخید و داستان ما و خطاهای مدیریتی‌مان، در بحث مدیریت بحران تکرار مکررات خواهد بود.

❖ **دیرکل جمعیت کاهش خطرات زلزله ایران**

چهار گوشه جهان
درس‌های بازسازی «بم» برای شهر «تهران»
«بم»، شهر اکولوژیک
محله‌ها خواهند بود؟ و درنهایت این مقوله چه تأثیری بر زندگی شهری و واحدهای همسایگی و آینده شهرهای ما خواهد داشت؟ آیا قادر به اجرای طرح‌های اروپایی در شهرهای کشورمان هستیم؟ چنانچه پروژه‌های اجراشده در سراسر دنیا را در نظر بگیریم، هرکشور، برنامه و هرپروژه ویژگی‌های خاص خود را با هدفی یکسان که احترام به ویژگی‌های توسعه پایدار است را داراست. اما هردولتی روشی متفاوت در ارایه طرح خود دارد که این امر منجر به خلق ایده‌های متفاوت و نو می‌شود. همچنین هرشهری دارای مجموعه‌ای ویژگی‌های خاص است که در مرحله عملیاتی و ارایه راهکارها باید در درجه‌اول اهمیت قرار گیرد. برای ایجاد محله‌های اکولوژی می‌توان از پروژه‌های اجراشده در دنیا الهام و الگوبرداری کرد، اما نمی‌توان عیناً تقلید کرد چرا که هیچ سرمیمنی خصوصیات مشابهی ندارد. در ایران به‌دلیل شرایط جغرافیایی کشور می‌توانیم ساختارها و زیرساخت‌ها و تاسیسات مشابهی با درنظرگرفتن نیاز شهر، سیاست‌ها، رفتار شهروندان، تاریخچه محله و بودجه داشته باشیم. حال با توجه به آشنایی و داشتن ایده و نتیجه‌ای از بررسی شهرهای اکولوژی، می‌خواهیم به مقوله شهر بم و زلزله رخ‌داده در آن بپردازیم. بم شهری بود با بافت شهری فرسوده، اما تاریخی، خانه‌هایی ساخته‌شده از مصالح محلی و علاوه‌بر این بافت تاریخی شهر دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد است. هرچند اگر دقیق به شهر بنگریم در گذشته این شهر با ویژگی‌های نسبتاً پایدار اما سازگار با آن زمان شهر احداث شده که این امر را از نحوه استقرار خانه‌ها، تهویه و اوامر دیگر می‌توان مشاهده کرد. اما هرشهری همانند کودکی است که نیاز به مراقبت دارد و با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ همچنین نیازهای آن. اما متأسفانه این شهر با عدم‌توجه مسوولان و عدم‌مراقبت و بازسازی مواجه شد. با استناد به همین امر و ویژگی‌های توسعه پایدار و سابقه تاریخی شهر در احترام به ویژگی‌های پایدار محیطی است که این شهر حایزاهمیت در تزریق محله‌های سازگار با محیط‌زیست پس از زلزله قرار گرفت که مقوله و گامی نو و در حال بررسی است. ❖ دانشجوی دکتری شهرسازی و مدیریت شهری دانشگاه استراسبورگ فرانسه

آمارهای رسمی، وقتی در زلزله وزرقان پس از سه‌روز، برای ۲۴هزارخانواده که خانه‌هایشان بیش از ۳۰درصد آسیب‌دیده بود، تنها چهارهزارتخته چادر توزیع می‌شود، انکار بم را مرور می‌کنیم که مردم برای گرفتن چادر، تا دوهفته بعد از حادثه هم دره‌در انبارها بودند. مدیران بحران ما هنوز هم تأمین نیازهای اضطراری روستاهای دور از جاده اصلی‌مان را پس از یک‌هفته به یاد می‌آورند و همچون روستای حکن در زلزله داهویی، روستای آب انارمان در زلزله مورموری ایلام را هم در می‌یابیم.

این همه سیمینار و کنفرانس و کارگاه آموزشی، به هاز ما چادرهایمان را اشتباه نصب می‌کنیم و پس از هر بارش باران، زندگی حادثه‌دیدگان را غرق آب می‌بینیم و بعد از هر تندباد، شاهد کنده‌شدن چادر و بی‌سرنمایی مادری و بچه‌های یتیمش هستیم، چرا که هنوز هم پس از زلزله، چادرهای اسکان اضطراریمان را به خود مردم می‌دهیم تا خودشان نصب کنند، زیرا مدیران بحران ما قادر به تأمین نیروی متخصص برای نصب چادر حادثه‌دیدگان نیستند. ما هنوز بعد از ۱۰سال، نمی‌دانیم مسوولیت تأمین سرویس‌های بهداشتی در منطقه حادثه‌دیده برعهده کیست و در زلزله وزرقان شاهد ورود هلال‌احمر در بحث تأمین سرویس‌های بهداشتی هستیم. سازمانی که در شرح وظایفش، ساخت، نصب و راه‌اندازی سرویس‌های بهداشتی جایی ندارد. ما هنوز نمی‌دانیم که مسوولیت بیرون آوردن لوازم خانه‌ها بر عهده

دور و نزدیک

آمادگی برای زلزله‌های بعدی در ۲ پرده

«بم»، مرور یک تجربه

۳- مقامات در شهر بم، دستگاه‌های اجرایی گوناگون را هماهنگ می‌کنند، هرچند ساختار به‌شدت، بخشی و مرکزگرای این ادارات، به‌سرتع نامهامهنگ می‌شوند و هردستگاه راه خود را می‌رود.

۴- اولین‌بار است بم، شاهد حضور گسترده سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی است. با این‌همه برنامه‌های آنها توسط مقامات در بسیاری از موارد تغییر می‌یابد و در نتیجه، آنها به فعالیت‌هایی وارد می‌شوند که در آن، تجربه قبلی ندارند.

●●●

در صحنه‌های مذکور، حضور موثر شهروندان آسیب‌دیده برای بهبود شرایط، محدود و مشروط است. در چنین شرایطی، تجربه‌ای در چندمحله شهر بم با همکاری دانشگاه شهیدباهنر و ریاست شورای اسلامی شهر بم و با اتکا به تجربه دکتر «پرویز پیران» در تجربه شوراباری شهر تهران در دهه ۷۰شمسی، به

۱- همه افراد بالای ۱۶سال در یک محله تعاملی برای حضور در گروه‌های کاری متناسب با تجربه و علاقه خود دعوت می‌شوند. گروه‌ها عبارتند از: اسکان، کودکان، سالمندان، زنان، اطلاع‌رسانی و ...

۲- هرگروه فهرست امکانات و آموزش‌های مورد نیاز خود را تهیه کرده و برای تهیه آنها اقدام می‌کند.

۳- اعضای گروه اسکان، به‌طور خاص نقشه خطر محله را تهیه کرده و نقاط امن را برای اسکان اضطراری انتخاب و کانکس تجهیزات و امکانات اولیه خود را در آنجا مستقر می‌کنند.

۴- گروه‌های مذکور به‌طور منظم گرد هم می‌آیند و برای خود، ساختاری تعریف می‌کنند به طوری که درنهایت مرحله تعاملی، دونماینده برای حضور در گردهمایی‌های سطوح بالاتر معرفی می‌کنند.

●●●

به یاد داشته باشیم تجربه ما در بم نشان داد اتکا به این برنامه‌های از بالا و با ساختار اداری، نمی‌تواند جایگزین حضور موثر و بابرنامه اکثریت شهروندان ساکن یک محله باشد. حتی اگر نصف آنان زنده نمانند، بقیه اعضای گروه‌ها خواهند توانست به سازماندهی محله خود بپردازند، به شرط آنکه مطمئن باشند گروه‌هایی همانند، به امداد نزدیکان‌شان در محله دیگر خواهند پرداخت. آیا این راه‌حل، جواب بخشی از صحنه‌های ابتدای یادداشت خواهد بود؟

❖ **استادیار دانشگاه شهیدباهنر کرمان**

در حافظه تاریخی اغلب ما ایرانیان، زلزله بم یک نقطه بازگشت است؛ نقطه‌ای برای بازگشتن و مرورکردن، برای مقایسه‌کردن، برای درس‌گرفتن و حتی گاهی، نقطه‌ای است برای بازگشتن به آن و شرم‌منده شدن از تکرار اشتباهات تکراری.

وقتی در زلزله وزرقان، مدیر عالی‌رتبه وقت استان از عادی بودن اوضاع پس از زلزله و روی ندادن هیچ حادثه مهمی در حضور رسانه‌های جمعی سخن گفت، انکار اتفاقات زلزله بم بود که تکرار می‌شد و نیروهای پیشتاز هلال‌احمر به جای اعزام به سوی بم، راهی جازموریان می‌شدند چرا که مدیران ما هنوز درگیر شناسایی منطقه آسیب‌دیده بودند و برآورد خسارت‌های اولیه، وقتی در زلزله مورموری، آمارهای رسمی تعداد خانوارهای آسیب‌دیده، سه روز بعد از حادثه از زبان سه مدیرمسوول با تفاوت‌های فاحش اعلام می‌شود، انکار زلزله بم را باز تکرار می‌کنیم که هنوز هم هیچ‌کس آمار قطعی تعداد متوفیان آن را نمی‌داند و بازار شایعه و آمارهای دروغین آن، بیشتر مورد وثوق و توجه است تا



علیرضا سعیدی*



سیامک زندر ضوی*

در سالروز زلزله بم و به یاد همه آن دستان و دیدگانی که ناخواسته از زیستن محروم شدند، شایسته است پس از مرور چندنکته مرتبط با آن شرایط، از خودمان پرسیم آیا آن تجربه دردناک، دسناورد قابل‌دفاعی برای همه کسانی که زیستن را تا آخرین لحظه، ارزشمند می‌دانند، فراهم کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش، شما را به مشاهده چندصحنه نزدیک از زلزله بم فرامی‌خوانم.

پرده‌اول

۱- در ۲۴ساعت اول، اکثر کمک‌کنندگان، بازماندگان از زلزله‌اند که به دنبال خویشاوندان خود در شهر ویران سرگرداند. در حالی‌که اولین مشکل، نبود بیل و کلنگ برای برداشتن آواره‌های خشت و گل است.
۲- در آن شرایط کودکان بازمانده، رها در میان آوارها، گرسنه و سرمازده به‌دنبال چهره‌ای آشنا، اطراف را جست‌وجو می‌کنند.
۳- سالخورده‌گان و ناتوانان همانند کودکان اطراف را می‌کاوند و به‌دنبال صدا و چشمان آشنایی هستند.
۴- زنان بازمانده بااحساس عمیق ناتوانی از اینکه چگونه کودکان پریشان را دل‌داری دهند، چگونه مرهمی بر زخم مجروحان بگذارند و آیا این حادثه عقوبتی است؟ چرا همه بی‌ترحم مجازات می‌شوند؟
۵- جوانان که ناتوان از برپاکردن چادری که به زحمت به چنگ آورده‌اند، همزمان در جست‌وجوی مکان خواب مردگانی هستند که هنوز پیکرشان یافت نشده است. چالاک، با دقت یک کارشناس نقشه‌بردار، مکان خواب مادر بزرگ را مشخص کرده و در رساندن پیکرش به امامزاده زید برای تدفین فوری رهسپار هستند.
پرده‌دوم

۱- مقام‌های مسوول در مدیریت بحران در پایتخت، همگی زمزمه می‌کنند: بازماندگان، پریشان‌حال و ناتوان از تصمیم‌گیری هستند. بنابراین بهتر است در چادر بمانند و دیگران وضعیت را بهبود بخشند.

۲- همان مقامات نجوا می‌کنند: اسکان در خانه‌ها، در محیط آلوده، به‌صلاح نیست، ساخت اردوگاه در بیرون شهر به مصلحت آنان است.